



خاقانی

و اصطلاحات مسیحیت در قصیده ترسائییه (مسیحیه)

پروین ناهیدی

افضل الدین بدیل بن علی بهار ، خاقانی شروانی در سال ۵۲۰ هـ . ق از پدری نجار به نام علی و مادری نسطوری تازه مسلمان که پیشه او طباحی بود در شهر شروان زاده شد . از کودکی نزد عموی خود کافی الدین عمر بن عثمان به تحصیل دانش پرداخت . دیری نگذشت که در پرتو نبوغ و همت خود در علوم ادب و لغت و قرآن و حدیث و داستان و قصص انبیا و سایر فنون و علوم زمان به درجه کمال رسید و در شعر دارای نیروی خلاقه گشت و دست به آفرینش آثار شعری زد و از عموی خود لقب " حسان العجم " یافت چنان که گوید :

چون دید که در سخن تمامم

حسان عجم نهاد نامم
در بیست و پنج سالگی پس از در گذشت عمویش به شاعر معروف زمان خود " ابوالعلاء گنجوی " روی آورد . ابوالعلاء او را به خاقان اکبرمنوچهر شروانشاه معرفی کرد و تخلص " خاقانی " را برای او گرفت و دختر خویش را به او داد . خاقانی پیش از این تخلص ، به " حقایقی " متخلص بود . پس

دیوان اشعار خاقانی که حدود هفده هزار بیت دارد شامل ۱۰۶ قصیده بلند ، ۱۱۰۰ قصیده کوتاه ، ۳۳۰ غزل ، حدود ۳۰۰ رباعی ، ۲۹۰ قطعه ، ۴۵۰ بیت عربی است . اولین بار در هند و سپس در سال ۱۳۱۶ در تهران به تصحیح مرحوم عبدالرسولی به چاپ رسید . این کتاب در سال ۱۳۳۸ با



تصحیح و مقدمه و تعلیقات دکتر سید ضیاء الدین سجادی به طبع رسیده است .

مثنوی " تحفه العراقرین " در حدود سه هزار بیت که به تصحیح دکتر یحیی قریب به چاپ رسیده است.

منشآت : مشتمل بر نامه هایی است که به دوستان و هم‌عصران خود نوشته و سی و یک نامه آن در سال ۱۳۴۶ با تصحیح دکتر سجادی چاپ شده و دکتر محمد روشن نیز شصت و یک نامه او را تصحیح و چاپ نموده است.

اثر دیگر خاقانی ، مثنوی " ختم الغرائب " است که نسخه ناقص و منحصر به فرد آن در " فرهنگ ایران زمین " در سال ۱۳۴۴ به تصحیح و مقدمه دکتر سجادی به چاپ رسیده است .

حادثه مهم زندگی خاقانی و قصیده ترسائیه :

از حوادث مهم زندگی شاعر، گرفتاری او در زندان است که نوشته اند چون بی اجازت شروانشاه از شروان بیرون رفته ، در سال ۵۶۹ یا ۵۷۰ مدت هشت ماه به امر اخستان ، پادشاه شروان زندانی شده است . در همین وقت قصیده معروف به " ترسائیه " را با مطلع:

فلک کژ رو تر است از خط ترسا

مرا دارد مسلسل راهب آسا
که خطاب به آندرونیکوس کممنوس شاهزاده مسیحی مهمان شروانشاه است سروده و او را به شفاعت خوانده است.

جز این چهار حبسیه دیگر نیز دارد که از درد ها و رنج های او در زندان حکایت دارد .

قصیده ترسائیه و اصطلاحات مسیحیت :

" در شکایت از حبس و تخلص به مدح عظیم الروم عزالدوله قیصر و برانگیختگی او را به شفاعت و خلاص یافتن خود "

الف - این چکامه را " قصیده ترسائیه " یا " مسیحیه " نامیده‌اند . از این رو که در آن بیش از دیگر اشعار، شاعر اصطلاحات و عقاید مسیحی آورده است . ممدوح او " آندرونیکوس کممنوس " از پسر عموهای مانوئل ، امپراطور بوزنطیا (بیزانس) است که با پادشاه گرجستان قرابت داشته است . خاقانی این شاهزاده مسیحی را که در عنوان و ضمن قصیده عظیم الروم عزالدوله نامیده شده برای نجات از زندان شروانشاه (سال ۵۶۹ هـ ق یا اوایل سال ۱۱۷۴ م) شفیع قرار داده است .

ب - این قصیده بر وزن مفاعیلن ، مفاعیلن ، مفاعیلن (فعولن) در بحر هزج مسدس محذوف است و در اصل ۹۱ بیت می‌باشد. در این قصیده تعداد ۱۹ بار واژه عیسی و در بیش از ۴۰ بیت اصطلاحات مسیحیت قید شده است.

ج - در این پژوهش سعی شده صرفاً به ذکر ابیاتی که به اصطلاحات مسیحیت مربوط است پرداخته شود . پس از بیت مورد نظر، توضیحات مربوط به هر بیت را آورده سپس معنی بیت ذکر گردد.

۱- فلک کژ رو تر است از خط ترسا

مرا دارد مسلسل راهب آسا
" ترسا " : نصرانی ، مسیحی ؛ خط ترسا مقصود یونانی است که از چپ به راست نوشته می‌شود و از این رو (کژ رو) (کج رو ، کج رفتار) خوانده شده است.

" راهب آسا " ، راهب : ترسای پارسا و گوشه نشین ؛ راهب آسا : مانند راهب

معنی : چرخ از خط ترساکج رفتارتر است و مرا چون راهب به زنجیر (در زندان) می‌دارد.

۲- نه روح الله بر این دیر است؟ چون شد؟

چنین دجال فعل ، این دیر مینا



معنی : با فریاد و خروش بامدادی دریچهٔ این آسمان (دریچهٔ رو به آسمان سقف زندان) را می شکافم.

۷ - چه راحت مرغ عیسی را ز عیسی؟

که همسایه است با خورشید عذرا

مرغ عیسی : شب پره ، خفاش. و شب پره را از این جهت

مرغ عیسی خوانده اند که گویند عیسی برپاره ای گل چیزی

خواند و دمید و آن مرغ شد. یعنی همان پرنده ای که خفاش

می نامیم. در قرآن کریم به داستان اشاره شده است.

عذرا: بکر ، دوشیزه ، آشکار ؛ شاعر در عین حال که عذرا

را صفت خورشید آورده به مریم عذرا نیز نظر داشته است.

همسایگی عیسی با خورشید از این جهت است که هر دو در

آسمان چهارم اند. و راحت نبودن مرغ عیسی از قِبَل عیسی

اشاره به این است که شب پره وصل آفتاب نخواهد و از آفتاب

به رنج است.

معنی : مرغ عیسی (شب پره) از قِبَل عیسی چه راحت دارد

در حالی که عیسی با خورشید همسایه و نزدیک است.

۸ - سخن بر بکر طبع من گواه است

چو بر اعجاز مریم نخل خرما

معنی : آنگاه عیسی که کودک بود و با سیمایی گشاده بر سر

زانوی مادر آرمیده بود ، به خرما بُن گفت : درخت ! خم شو

و از میوه های خود مادرم را بخوران. به این سخن خرما بُن

فوراً سر فرود آورد و فراز شاخه های خویش را بر پای مریم

رسانید.

در بیت ۸۵ یک بار دیگر این داستان تکرار می شود:

۹ - مرا مستی یهودی فعل خصمند

چو عیسی ترسم از طعن مفاجا

یهودی فعل : یهودی کردار ، کسانی که چون یهودیان با

عیسی رفتار خصمانه دارند.

" روح الله " : عیسی ؛ دیر : صومعه و غربت گاه راهبان ، در

این جا مقصود جایگاه عیسی (ع) است.

معنی : مگر نه این است که روح الله بر این آسمان است پس

چه شد که سپهر، دجال کردار و کج عمل شده است؟

۳ - تنم چون رشتهٔ مریم دوتا است

دلَم چون سوزن عیسی است یکتا

رشتهٔ مریم از این جهت گفته شده که به مریم (مادر عیسی)

پیشهٔ خیاطی نسبت داده اند.

سوزن عیسی اشاره است به این که چون عیسی را به آسمان

بردند ، سوزنی از مال دنیا با خود داشته از این رو از آسمان

چهارم فراتر نرفته و چون سوزن تنها چیزی از مال دنیا بوده

که همراه برده ، شاعر آن را به " یکتا "یی و تنهایی تشبیه

کرده است و هم از این جهت که سوزن ، بر خلاف رشتهٔ به

سوزن کرده که دوتاست ، یکتا می باشد.

معنی : تن من مانند رشتهٔ مریم خمیده است و دلَم چون

سوزن عیسی یگه و تنهاست.

۴ - من این جا پای بند رشته ماندم

چو عیسی پای بند سوزن ، آن جا

معنی : من در این جا پای بستهٔ زنجیر مانده ام هم چنان که

عیسی در آسمان چهارم پای بستهٔ سوزن بود.

۵ - چرا سوزن چنین دجال چشم است

که اندر جیبِ عیسی یافت مأوی

معنی : چرا سوزن که چنین دجال چشم است باید در گریبان

عیسی جای گرفته باشد؟

۶ - به صور صبحگاهی بر شکافم

صلیب روزن این بام خضرا

صلیب روزن : دریچه ای که بر آن میله ای به شکل صلیب

گذاشته باشند.



- معنی: گروهی یهودی کردار با من دشمنند؛ از این رو مانند عیسی از طعن ناگهانی می ترسم.
- ۱۰ - چه فرمایی که از ظلم یهودی گریزم برادرِ دیر سکوبا سکوبا: از ریشه یونانی "اپیسکوپس" به معنی ناظر، اسقف. فردوسی در شاهنامه می گوید: نوشتند نامه به هر مهتری سکوبا و بطریق هر کشوری معنی: چه دستور می دهی که از ستم یهودی کرداران به در دیر اسقف (مسیحیان) پناه ببرم؟
- ۱۱ - بگردانم ز بیت الله قبله به بیت المقدس و محراب اقصی بیت الله: خانه خدا، کعبه. بیت المقدس یا بیت المقدس، معادل اورشلیم عبری به معنی شهر سلامتی است که در ادبیات یهودی و مسیحی غالباً از آن به نام صهیون یاد می شود. بیت المقدس در نزد مسلمانان و یهودیان و مسیحیان هر سه مقدس و زیارتگاه است.
- معنی: آیا از خانه خدا (کعبه) قبله خود را بگردانم و به جانب بیت المقدس و محراب مسجد اقصی روی آورم؟
- ۱۲ - روم ناقوس بوسم زین تحکم شوم زنار بندم زین تعذاً زنار: از ریشه یونانی Zonarion که کمر بند مخصوص مسیحیان است در شرق. ناقوس بوسیدن: کنایه از مسیحی شدن.
- ۱۳ - کنم تفسیر سریانی ز انجیل بخوانم از خط عبری معماً انجیل: انگلیون به معنی مزده، بشارت، نام کتاب مقدس
- مسیحیان، عهد جدید. معنی: انجیل را به زبان سریانی گزارش کنم و رمز خط عبری را بخوانم.
- ۱۴ - مرا بینند اندر گنج غاری شده مولو زن و پوشیده چوخا مولو: نایی که راهبان مسیحی می نواختند. چوخا: پشمینه که راهبان مسیحی پوشند.
- معنی: مرا می بینند که چون راهبان مسیحی در سوراخ غاری نی می نوازم و پشمینه پوشیده ام.
- ۱۵ - به جای صدره خارا چو بطریق پلاسی پوشم اندر سنگ خارا بطریق: معرب واژه لاتین پاتریکیوس که در اصل به شارمندان رم قدیم اطلاق می شد. در این جا کشیش مسیحی، راهب ترسایان.
- معنی: به جای سینه پوش ابریشمی، مانند راهب ترسا پشمینه ای بپوشم و بر سر سنگ خارا (دور از مردم) به سر برم.
- ۱۶ - چو آن عود الصلیب اندر بر طفل صلیب آویزم اندر حلق، عمدا عودالصلیب: فاوانیا و آن گیاهی است جزو تیره های نزدیک به گل سرخیان علفی و دارای ساقه های گوشت دار و ساقه ای خوابیده بر روی زمین و گل های سفید.
- معنی: به عمد صلیب را، مانند عودالصلیبی که بر سینه کودک برای دفع صرع آویخته می شود، به گردن آویزم
- ۱۷ - دبیرستان کنم در هیکل روم کنم آئین قطران را مُطرًا هیکل: پرستشگاه، معبد. مطران: از درجات روحانی کلیسای رومی، اسقف اعظم؛ به مناسبت کلاه دراز سه ترک مطرانی



- که بر سر می نهاده به این نام خوانده می شده است. من میل و کوشش دارند .
- معنی : در معبد روم حوزه درس دایر کنم و آیین مطران (مسیحیت) را تازه سازم .
- ۲۱ - مرا خوانند بطلمیوس ثانی
مرا دانند فیلاقوس والا
- ۱۸ - بَدَل سازم به زَنار و به بَرَنس
ردا و طیلسان چون پور سقا
بَرَنس : کلاهی که تا روی شانه می افتد . ردا ، بالاپوش ، طیلسان ، جامه گشاد و بلند که بر دوش اندازند.
پورسقا : ابن اثیرمی نویسد : که چون یوسف بن ایوب همدانی واعظ به بغداد آمد مردی به نام ابن السقا از وی پرسش هایی کرد که ابن ایوب از آن ها بوی کفر شنید و پیشگویی کرد که ابن السقا از دین اسلام خارج خواهد شد و چنین اتفاق افتاد که چندی بعد وی به ممالک روم افتاد و آیین عیسی گرفت .
- ۲۲ - به دست آرم عصای دست موسی
بسازم زان عصا شکل چلیپا
چلیپا : از سریانی صلیبا ، اشاره دارد به اعتقاد نصاری به این شرح که عصای موسی آیت او بود، چون عیسی فراز آمد عصای خویش بر آن افکند و صلیبی پدید آورد و بدین گونه شریعت موسی را تکمیل کرد .
معنی : من نیز در تدبیر کارهای عیسویان دستی بر آرم و دین عیسی را کمال بخشم .
- ۲۳ - ز سرگین خر عیسی ببندم
رعاف جاثلیق ناتوانا
جاثلیق : رئیس روحانی نصاری ، عالم و عابد ترسایان ، (پیشوای عیسوی) ، رئیس اسقف ها .
- ۱۹ - مرا اسقف محقق تر شناسند
ز یعقوب و ز نستطور و ز ملکا
ملکا : شاعر خواسته کسانی را که مبدع و مؤسس فرقه ثلاثه مسیحی یعنی فرقه یعقوبی و فرقه نستوری و فرقه ملکایی بوده اند نام ببرد . و به معنی ملکایی که اشاره به ملک روم دارد توجه نداشته است .
- ۲۴ - چه بود آن نفخ روح و غسل و روزه
که مریم ، عور بود و روح ، تنها
هنوز آن مَهر بر درج رحم داشت
که جان افروز گوهر گشت پیدا
- ۲۶ - چه بود آن نطق عیسی وقت میلاد
چه بود آن صوم مریم وقت اصفا
۲۷ - چگونه ساخت از گل مرغ عیسی
چگونه کرد شخص عازر ، احیا
- ۲۸ - چه معنی گفت عیسی بر سر دار
که آهنگ پدر دارم به بالا
۲۰ - کشیشان را کشش بینی و کوشش
به تعلیم چو من قسیس دانا
قسیس : معرب کشیش
معنی : می بینی که کشیشان به آموزش کشیش دانایی چون
- ۶۴ تا ۲۰ مربوط به حوادث و وقایع ولادت حضرت



- عیسی می باشد که ظاهراً از قرآن و تفاسیر آن اخذ شده است.
- ۲۹ - و گر قیصر سگالد راز زردشت
کنم زنده رسوم زند و استا
قیصر: بزرگ و رئیس مسیحیان و پادشاهان رم و در این جا
ظاهراً خطاب است به آندرو نیکوس کممنوس .
معنی : اگر قیصر در اندیشه راز زردشت است ، رسوم دین
زردشت را زنده کنم . (به خاطر قیصر ، زردشت را به جای
مسیح و آیین او را به جای آیین مسیحی آورده است) .
- ۳۰ - به قسطاسی بسنجم راز موبد
که جو سنگش بود قسطای لوقا
قسطا : قسطا بن لوقا ، حکیم و ریاضی دان معروف مسیحی
از مردم بعلبک .
معنی : راز مؤبد را با ترازویی می سنجم که کمترین سنگ
آن قسطای لوقاست .
- ۳۱ - یمین عیسی و فخرالحواری
امین مریم و کُهِف النصارا
حواری : عنوان هر یک از ۱۲ تن نخستین شاگردان عیسی
مسیح که فرستادگان مخصوص او برای تبلیغ مسیحیت
بودند . فخرالحواری : مایه مباهات حواریان . امین : معتمد ،
وکیل . کُهِف : پناهگاه .
معنی : ای که دست راست عیسی و مایه مباهات حواریان و
معتمد و وکیل مریم و پناهگاه مسیحیان هستی .
- ۳۲ - به روح القدس و نفخ روح و مریم
به انجیل و حواری و مسیحا
روح القدس : نفخ روح ، دمیدن روح خدایی در مریم ، از
طرف دیگر " روح " مطلقاً اشاره است به فرشته ای که بشارت
آبستنی را به مریم آورد (جبرئیل) .
- ۳۳ - به ناقوس و به زَنار و به قندیل
به یوحنا و شمّاس و بُخیرا
قندیل : چراغدان ، شمعدان ، مقصود کلیساست . یوحنا :
یکی از ۱۲ تن حواری حضرت مسیح . شمّاس : (در اصل
خادم معبد شمس) خادم کلیسا . بخیرا : نام راهبی نصرانی
که بنا به روایات اسلامی پیامبری حضرت محمد (ص) را
پیشگویی کرد .
- ۳۴ - به تثلیث بروج و ماه و انجم
به تربیع و به قدیس ثلاثا
که بهر دیدن بیت المقدس
مرا فرمان بخواه از شاه دنیا
معنی : ای زاده قیصر که مسیحا صفتی ! تو را به روح القدس
و ... سوگند که برای من از شاه شروان اجازه بخواه تا بروم و
بیت المقدس را ببینم .
- ۳۵ - ز خط استوا و خط محور
فلک را تا صلیب آید هویدا
۳۶ - سزد گر عیسی اندر بیت معمور
کند تسبیح از این ابیات غرّا

منابع :

- ۱ - گزیده اشعار خاقانی - به کوشش دکتر ضیاءالدین سجادی
- ۲ - شرح قصیده ترسائیه خاقانی - به قلم ولادیمیر مینورسکی ، ترجمه و تعلیقات دکتر عبدالحسین زرین کوب .